

الدَّرْسُ العَاشِرُ

درس دهم

المُعْجَم (۹ کلمه جدید)

الخَامِسَةَ عَشْرَةَ : پانزدهم

سَلَّمَ عَلَيَّ : سلام کرد به

(مضارع : يُسَلِّمُ)

عَزَلَ : برکنار کردن

أَمِينٌ : امانتدار

إِنْتَرِنِتْ : اینترنت

تَسْلِيمٌ : تحویل دادن

حَاسِبٌ : رایانه

أَرَادَ : خواست

(مضارع : يُرِيدُ)

إِسْتَرْجَعَ : پس گرفت

(مضارع : يَسْتَرْجِعُ)

امانت

مسافری خواست پولش را به شخص امانت داری بدهد. پس نزد قاضی شهر رفت و به او گفت: «من مسافرت خواهم کرد و می‌خواهم پولم را نزد تو به امانت بگذارم و پس از برگشتنم از تو پس خواهم گرفت، قاضی گفت: «اشکالی ندارد، پولت را در آن صندوق بگذار.» و مرد پولش را در صندوق گذاشت. و وقتی که از سفر برگشت؛ نزد قاضی رفت و امانت را از او خواست. قاضی به او گفت: «من تو را نمی‌شناسم.»

آن مرد ناراحت شد و نزد حاکم شهر رفت و قضیه را برای او شرح داد. پس حاکم گفت:

«فردا قاضی نزد من خواهد آمد، در مجلس پیش ما بیا و امانت را از او بخواه.»

و در روز بعد وقتی که قاضی نزد حاکم آمد، حاکم به او گفت: «من در همین ماه به سفر حج سفر خواهم کرد و می‌خواهم امور کشور را به تو بسپارم چون من از تو جز امانتداری ندیده‌ام.»

و در این هنگام صاحب امانت وارد شد و به آنها سلام کرد و گفت: «ای قاضی، امانتی نزد تو دارم. پولم را نزد تو گذاشته‌ام.» قاضی گفت: «این کلید صندوق است. پولت را تحویل بگیر.»

پس از دو روز قاضی نزد حاکم رفت و با او درباره آن موضوع صحبت کرد. حاکم جواب داد:

«ای قاضی، امانت آن مرد را از تو پس نگرفتم مگر بعد از این که همه کشور را به تو دادیم، با چه چیزی کشور را از تو پس بگیریم؟!» سپس دستور به برکناری او داد.

رسو خدا (ص) فرمود:

«به زیادی نمازشان و روزه شان و زیاد حج نگاه نکنید... ولی به راستگویی و امانتداریشان نگاه کنید.»

با توجه به متن درس، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.

درست نادرست

۱. كَانَ الْقَاضِي يَكْذِبُ.

قاضی دروغ می‌گفت.

۲. أَمَرَ الْحَاكِمُ بِعَزْلِ الْقَاضِي.

حاکم دستور به برکناری قاضی داد.

۳. وَضَعَ الْمُسَافِرُ نَقْوَدَهُ عِنْدَ الْحَاكِمِ.

مسافر پول هایش را نزد حاکم گذاشت.

۴. قَدَّرَ الْحَاكِمُ عَلَى اسْتِرْجَاعِ الْأَمَانَةِ.

حاکم توانست امانت را برگرداند.

۵. بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ ذَهَبَ الْقَاضِي عِنْدَ الْحَاكِمِ.

قاضی پس از دو هفته نزد حاکم رفت.

التَّمارين العامَّةُ

التَّمْرينُ الأوَّلُ

● سخنان حکیمانه هماهنگ فارسی و عربی را به هم وصل کنید.

- ۱- عداوة العاقل خیر من صداقة الجاهل. عاقبت، جوینده یابنده بود. ۶
- ۲- العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر. نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار. ۷
- ۳- استر ذهبك و ذهابك و مذهبك. چاه مکن بهر کسی اوّل خودت دوم کسی. ۴
- ۴- من حفر بئراً لأخيه وقع فيها. عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل. ۲
- ۵- الوحدة خیر من جلیس السوء. تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد ۵
- ۶- من طلب شیئاً و جدّ، وجدّ. دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود. ۱
- ۷- لكلّ جدید لذة. در بیان این سه، کم جنبان لبّت از ذهاب و آذ ذهب و ز مذهب ۳

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● ضرب المثلهاى زیر را ترجمه کنید.

یک گنجشگ در دست بهتر از ده گنجشگ روی درخت است.

۱. عَصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَى الشَّجَرَةِ.

آنچه در دنیا بکاری در آخرت نرود می کنی.

۲. مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هر کس که بدون عیب طلب کند، بی دوست می ماند.

۳. مَنْ طَلَبَ أَخًا^۱ بِلا عَيْبٍ بَقِيَ بِلا أَخٍ.

این اسب (گوی) و این میدان.....

۴. هَذَا الْفَرَسُ وَ هَذَا الْمَيْدَانُ.

یک روز با ما و روزی علیه ماست...

۵. يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● کدام گزینه از نظر معنایی با کلمه مشخص شده هماهنگ است؟

<input type="checkbox"/> الْعَرَبَةَ	<input type="checkbox"/> الصُّورَةَ	<input type="checkbox"/> الصَّحِيفَةَ	<input checked="" type="checkbox"/> الْمَطَرَ	۱. (السَّحَاب)	ابر
واگن	عکس	روزنامه	باران	۲. (حَفْلَةُ الزَّوْاجِ)	جشن عروسی
<input type="checkbox"/> الصَّوْمَ	<input checked="" type="checkbox"/> الْعَرُوسَ	<input type="checkbox"/> الْأَبْحَاثَ	<input type="checkbox"/> الرَّاقِدَ	۳. (عَصَفَتْ)	وزید
روزه	عروس	پژوهش‌ها	بستری	۴. (الْكُهْرِبَاء)	برق
<input checked="" type="checkbox"/> الرِّيَّاحَ	<input type="checkbox"/> الْجُسُورَ	<input type="checkbox"/> الرَّاسِبَ	<input type="checkbox"/> الْأَسَدَ	۵. (الدُّخَانَ)	دود
بادها	پل‌ها	مردود	شیر		
<input type="checkbox"/> الزُّجَاجَةَ	<input type="checkbox"/> الْغُضْبَانَ	<input checked="" type="checkbox"/> الْبَطَارِيَّةَ	<input type="checkbox"/> النَّبَاتَ		
شیشه	خشمگین	باتری	گیاه		
<input type="checkbox"/> الْفَرِيقَ	<input checked="" type="checkbox"/> الْحَرِيقَ	<input type="checkbox"/> الْعَمِيقَ	<input type="checkbox"/> الطَّرِيقَ		
گروه	آتش	ژرف	راه		

۱. أخ: برادر، دوست

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

اجْعَلْ / التَّقَاعُدُ / فَرِيضَةٌ / تَمَوْتُ / الْأَمْهَاتِ / الْمَمَرُّ / شَقَاوَةٌ / أَنْفَعُهُمْ

۱. اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ... **تَمَوْتُ**... غَدًا.
در دنیا چنان عمل کن گویی تو تا ابد زندگی می کنی و برای آخرت چنان عمل کن گویی که فردا می میری.
۲. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ... **شَقَاوَةٍ**... ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ.
از خوشبختی و سعادت آدمیزاد اخلاق نیکو و از بدبختی آدمیزاد اخلاق بد است.
۳. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدْوِكَ؛ فَاجْعَلْ... الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.
اگر بر دشمنت پرتری پافتی پس به خاطر شکر برتری بر او ببخش.
۴. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ... **فَرِيضَةٌ**...
علم و دانشی را طلب کنید اگرچه در چین باشد همانا طلب علم یک فریضه است.
۵. أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.
بهترین مردم سودمندترین آنها نسبت به مردم است.
۶. الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَمْهَاتِ!
بهشت زیر پای مادران است.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● در جای خالی عدد اصلی و ترتیبی مناسب بنویسید.

عددهای اصلی

۱. واحد	۲. اِثْنَانِ	۳. ثَلَاثَةٌ	۴. أَرْبَعَةٌ
۵. خَمْسَةٌ	۶. سِتَّةٌ	۷. سَبْعَةٌ	۸. ثَمَانِيَةٌ
۹. تِسْعَةٌ	۱۰. عَشْرَةٌ	۱۱. أَحَدَعَشَرَ	۱۲. إِثْنَا عَشَرَ

عددهای ترتیبی

۱. الْأَوَّلُ	۲. الثَّانِي	۳. الثَّلَاثُ	۴. الرَّابِعُ
۵. الْخَامِسُ	۶. السَّادِسُ	۷. السَّابِعُ	۸. الثَّامِنُ
۹. التَّاسِعُ	۱۰. الْعَاشِرُ	۱۱. الْحَادِي عَشَرَ	۱۲. الثَّانِي عَشَرَ

۱. الْأَحَادِيثُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● هر جمله درباره چه توضیح می‌دهد؟

۱. جَرِيَانُ قَطْرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الحُزْنِ أَوْ الوَجَعِ. أَلْبُكَاءُ أَلْسُخْرِيَّةُ
جریان قطرات اشک از روی اندوه یا درد. گریه ریشخند
۲. طَعَامٌ مَحْبُوبٌ فِي مُحَافِظَتَيْنِ بِشَمَالِ إِيْرَانِ. أَلرُّزُّ مَعَ السَّمَكِ أَلشَّايُ الْحَارُّ
غذای محبوب دو استان شمالی ایران. برنج و ماهی چای داغ
۳. مَرْكَزٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الطُّلَّابُ. أَلْمُسْتَشْفَى أَلْجَامِعَةُ
مرکز تحصیلات عالی که از آن دانشجویان فارغ التحصیل می‌شوند. بیمارستان دانشگاه
۴. شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الْجَامِعَاتِ. أَلشَّرْطِيُّ أَلطُّلَّابُ
جوانانی که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند. پلیس دانشجویان
۵. فَصْلٌ يَأْتِي بَعْدَ الصَّيْفِ. أَلرَّبِيعُ أَلْحَرِيفُ
فصلی که بعد از تابستان می‌آید. بهار پاییز

التَّمْرِينُ السَّاعِی

● هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

حَدَّادُونَ / شُرَطِيَّانِ / نَافِذَتَيْنِ / سَيِّدَاتُ / أَطْعَمَهُ / فَضَّةُ

فَضَّةُ	مفرد مؤنث
شُرَطِيَّانِ	مثنای مذکر
نَافِذَتَيْنِ	مثنای مؤنث
حَدَّادُونَ	جمع مذکر سالم
سَيِّدَاتُ	جمع مؤنث سالم
أَطْعَمَهُ	جمع مکسر

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

● ترجمه کنید و انواع فعل‌های مشخص شده را بنویسید.

۱. يا وُلْدِي، لَا تَيْأَسُ فِي حَيَاتِكَ. أَنْتَ تَقْدِرُ. أَطْلُبُ وَ اجْتَهِدْ.
مضارع امر

ای فرزندم در زندگی ات نا امید نشو... تو می توانی، بخواه و تلاش کن.

۲. يا بِنْتِي، ابْتَسِمِي لِلْحَيَاةِ. لَا تَحْزَنِي. أَنْتِ فَائِزَةٌ. سَتَنْجَحِينَ قَرِيبًا.
نهی مستقبل

ای دخترم به زندگی بخند... غمگین نباش... تو پیروزی بزودی پیروز می شوی.

۳. أَنْصُرُوا أَوْلِيَاءَكُمْ وَ لَا تَتْرُكُوهُمْ فِي الْمَشَاكِلِ. فَهُمْ سَوْفَ يُسَاعِدُونَكُمْ أَيْضًا.
امر مستقبل

دوستانتان را یاری کنید و آنها را در سختی‌ها رها نکنید... پس آنها نیز به شما کمک خواهند کرد.

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ

● با توجه به متن زیر، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

حامدٌ وُلْدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ الْعُمْرِ. هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ مَسَاءً.
حامد پسر بیهوش است و او در سن پانزده سالگی عمرش است. او تکالیف مدرسه‌اش را عصر می‌نویسد.

يَنْهَضُ صَبَاحًا فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعًا وَ بَعْدَ الصَّلَاةِ يَتَنَاوَلُ فِطْرَهُ فِي السَّاعَةِ
صبح ساعت یک ربع به شش بلند می‌شود. و بعد از نماز ساعت شش و نیم صبحانه می‌خورد.

السَّادِسَةِ وَ النَّصْفِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسِبًا لَهُ وَ سَمَحَ لَهُ بِالذُّخُولِ فِي
در روزی از روزها پدرش برای او رایانه‌ای خرید و به او اجازه داد در اوقات فراغت وارد اینترنت شود.

الْإِنْتَرْنِتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ. فَرِحَ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْهَدِيَّةِ. بَعْدَ مُدَّةٍ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ
حامد با این هدیه خوشحال شد. پس از مدتی پدر و مادرش

لِمُهَمَّةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةٍ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ: «سَأَبْحَثُ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرْنِتِ.»
برای یک مأموریت اداری به مدت دو روز سفر کردند. حامد به پدرش گفت: یک تحقیق علمی در اینترنت جستجو خواهم کرد.

جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسِبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ نَهَضَ فِي السَّاعَةِ
حامد پشت رایانه نشست و ساعات زیادی بازی کرد و در روز بعد ساعت یک ربع به هفت بیدار شد.

السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعًا. مَا أَكَلَ الْفُطُورَ وَ مَا غَسَلَ وَجْهَهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ وَ رَكِبَ حَافِلَةَ
صبحانه نخورد و صورتش را نشست. از خانه خارج شد و سوار اتوبوس مدرسه شد.

الْمَدْرَسَةِ.

كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّفِّ. فَجَاءَ سَمِعَ صَوْتَ الْمُعَلِّمِ: «أُرِيدُ مُشَاهَدَةَ وَاجِبَاتِكُمْ.»
 حامد در کلاس احساس خواب آلودگی می کرد. ناگهان صدای معلم را شنید: «می خواهم تکالیفتان را ببینم.»
 فَتَحَ حَامِدٌ حَقِيبَتَهُ وَ فَهَمَ بِأَنَّ الدَّفْتَرَ لَيْسَ لَهُ بَلْ لِأَخْتِهِ. نَدِمَ حَامِدٌ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ
 حامد کیفش را باز کرد و فهمید که همانا دفتر برای او نیست بلکه برای خواهرش است. حامد پشیمان شد و با خودش گفت
 يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مُنْظِمًا!

ای کاش من منظم بودم.

درست نادرست

۱. اشترى والد حامد حاسوباً له.

پدر حامد برای او رایانه ای خرید.

۲. حامدٌ في الثانية عشرة من العمر.

حامد در سن ۱۲ سالگی است.

۳. هو يكتب واجباته المدرسية ظهراً.

او تکالیف مدرسه اش را ظهر می نویسد.

۴. بحث حامد عن موضوع رياضي في الإنترنت.

حامد در اینترنت مسئله ای ریاضی را جستجو می کرد.

۵. سافر والده و والدته لمهمة إدارية لمدة شهرين.

پدر و مادرش برای یک مأموریت اداری به مدت دو ماه سفر کردند.